

## نظری به آمار

### کتاب های چاپی در ایران

بطور کلی در ایران تعداد کتاب های چاپ شده بسیار کم و میزان نشر و تیراژ کتاب بسیار پایین است. قلت تعداد باسوادان و بیسوادی اکثریت جمعیت را میتوان یکی از علل عمده این وضع دانست. اگر بنا به تخمینی که زده اند (و بنظر میرسد که اغراق آمیز باشد) ۱۵ درصد جمعیت ایران را باسواد بدانیم از ۱۹ میلیون ایرانی، کمتر از سه میلیون نفر با سواد هستند. تازه اکثریت این عده فقط حداقل سوادی برای خواندن و نوشتن دارند، و اغلب کسانی نیستند که توانایی خواندن کتاب داشته باشند، و تنها شاید خواندن کتابهای معدودی در حد توانایی و علاقه آنان باشد.

آنها هم که توانایی کتاب خواندن دارند کمترین امر رغبتی نشان میدهند. علاقه به کتاب خواندن هنوز در بین افراد باسواد ایرانی تعمیم نیافته و در اغلب کسانی که تحصیلات متوسطه و عالی دارند، گرایشی باین سوی دیده نمی شود. در کشور ما هنوز هم خود «کتاب خواندن» مرحله ای از فضل و کمال است و از عادیات زندگی بشمار نمی آید.

باین جهت میزان چاپ کتاب و تیراژ کتابها بطور کلی در ایران نازل است. در مورد میزان نشر کتاب و تیراژ کتابها باید گفت که در این زمینه اطلاعات دقیقی در دست نیست. بطوریکه تعیین میزان کتابهای چاپ شده در سال های مختلف و تعداد تیراژ متوسط انواع کتابها و نیز جمع تیراژ کتاب های منتشر شده در هر سال کار بسیار دشواری است، و بر مبنای مدارک موجود هر رقمی که ارائه شود تقریبی خواهد بود.

از چند سال پیش بطور پراکنده در برخی از مجلات و مطبوعات ایران کوشش هایی در زمینه «کتابشناسی» *Bibliographie* ایران صورت گرفته است. میتوان از مقالات و بررسی هایی در مجله فرهنگ ایران زمین و مجله سخن

نام برد. دفاتر «کتابشناسی ایران» (۱) دقیق‌ترین بررسی سالانه موجود در این زمینه بشمار می‌آید. دفاتر مذکور با وجود نقائصی که دارد، بهمت مؤلف کتابشناس و کوشا، مرتباً رو به‌کمال رفته و هر سال از سال پیش صورت مطلوب‌تری بخود گرفته است.

«فهرست کتابهای چاپی فارسی» (۲) یگانه سندی است که درباره کلیه کتابهای چاپی فارسی وجود دارد. پیش از این کوشش‌هایی که در این زمینه بعمل آمده هرگز تا این حد عام نبوده است. مؤلف این فهرست برای تهیه آن چندین سال کوشش و تجسس کرده و تا حد مقدور خود فهرستی از کلیه کتاب‌های چاپ‌شده فارسی از آغاز تا اواسط سال ۱۳۳۶ گرد آورده است. با وجود زحمت درخور ستایشی که در تهیه این فهرست بکار رفته و مردی شائق و دانش‌دوست بی‌چشمداشت هیچ‌اجری از همه امکانات خویش برای تدوین آن بهره گرفته است، نقائصی در آن دیده میشود و اشتباهاتی درباره سال چاپ بعضی کتاب‌ها و برخی نام‌ها بچشم می‌خورد. همچنین سال چاپ تعدادی از کتاب‌ها ثبت نشده یا اطلاع بر آن مقدور نگشته است.

با اینهمه در این مقاله مبنای تهیه «آمار کتابهای چاپی در طی بیست سال» (۱۳۱۶-۱۳۳۵) همین کتاب است، زیرا بهر صورت مأخذی جامع تر از آن وجود ندارد. تنها برای آخرین سه سال این دوره بیست ساله، دفاتر «کتابشناسی ایران» ارقام دقیق تر و بواقع نزدیکتری بدست میدهد. با اینهمه با وجود کوششی که برای تصحیح برخی اشتباهات و کسب اطلاعات مکمل بعمل آمد، ارقام آمارهایی که از این پس ارائه میشود بیشک یا تقریب بسیار همراه است.

برای سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ که بکلیک دفاتر «کتابشناسی ایران» وسیله‌ای برای مقابله وجود دارد، تفاوت‌های موجود نشان میدهد که گاهی دامنه تقریب وسیع است. مثلاً بنابه آمار مستخرج از «فهرست کتابهای چاپی فارسی»، در سال ۱۳۳۴ جمعاً ۶۳۴ کتاب چاپ و منتشر شده است. در این رقم کتابهای مدرسی هم بحساب آمده است. بنابر دفتر دوم «کتابشناسی ایران» در همین سال، با استثنای کتب درسی و برخی انتشارات

۱- دفتر اول (۱۳۳۳) و دفتر دوم (۱۳۳۴) و دفتر سوم (۱۳۳۵) «کتابشناسی ایران» تألیف آقای ایرج افشار.

۲- «فهرست کتابهای چاپی فارسی» تألیف آقای خانبابا مشار. (چاپ این کتاب بوسیله نگاه ترجمه و نشر کتاب بیابان رسیده ولی هنوز منتشر نشده است.)

دولتی، جمعاً ۷۹۲ کتاب انتشار یافته است. نشریه «کتابهای ماه» (۱) درست در همین مورد رقم ۱۵۰۰ را بدست میدهد. برای سالهای دیگری هم که امکان مقایسه هست، نظیر همین تفاوت وجود دارد و باین ترتیب رسیدن بارقامی نزدیک بواقعه بسیار دشوار است. در مورد تیراژ کتابها کار از این هم دشوارتر است. بطوری که در اغلب موارد حتی هیچ رقم تقریبی هم نمی توان بدست آورد. برای کسب اطلاع در این زمینه هیچ مدرکی وجود ندارد. تنها در چند سال اخیر مرسوم شده است که در برخی کتابها تیراژ هم ذکر میشود. ولی برای اغلب کتابها جز اطلاعات شفاهی و غیرمطمئن وسیله ای برای تعیین تیراژ وجود ندارد. بر مبنای این اطلاعات تنها میتوان کتابها را بچند گروه تقسیم کرد و برای متوسط تیراژ هر گروه رقمی تقریبی بدست آورد.

بنابر آنچه گفته شد، ذیلاً نخست آمار کلی نشر کتاب را در ایران (طی بیست سال) از نظر میگردانیم، سپس بترتیب: آمار انواع کتابهای چاپ شده طی سه سال (۱۳۳۳-۱۳۳۵)، مقایسه آمار نشر کتاب در ایران با کشورهای خارج، تیراژ کتاب در ایران را از نظر میگردانیم.

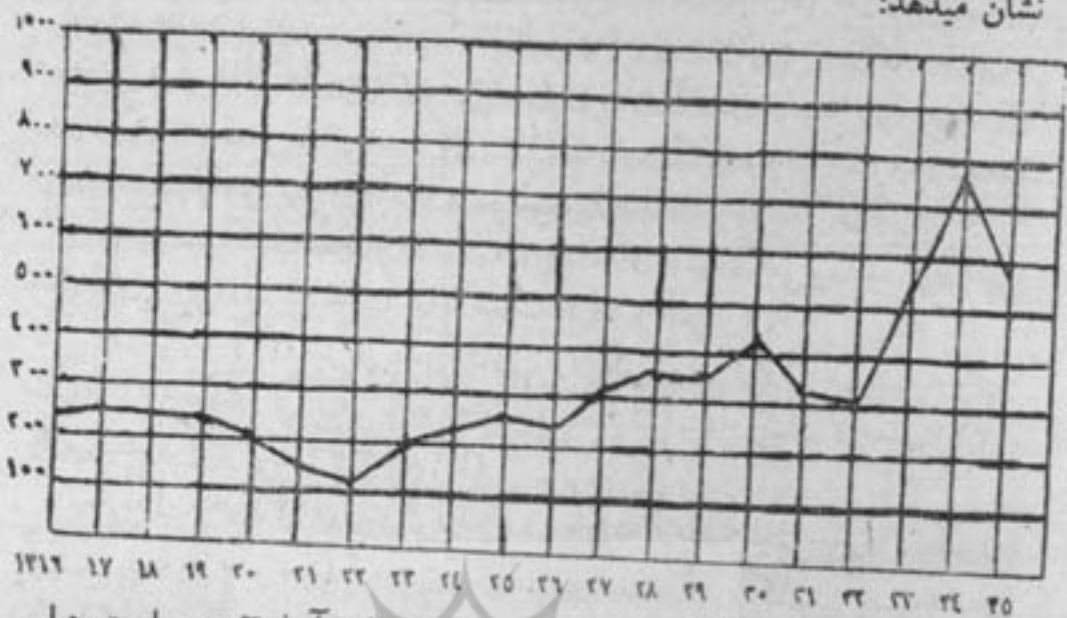
### ۱- آمار کلی نشر کتاب طی بیست سال (۱۳۱۶-۱۳۳۵)

آمار زیر میزان نشر کتاب را (به تعداد عنوان کتاب) از سال ۱۳۱۶ تا سال ۱۳۳۵ نشان میدهد.

تعداد سال	تعداد کتابهای چاپ شده در سال	سال
۲۵۰	۱۳۱۶	۲۳۳
۳۱۸	۱۳۱۷	۲۵۵
۳۶۹	۱۳۱۸	۲۱۹
۳۵۸	۱۳۱۹	۲۲۱
۴۱۴	۱۳۲۰	۲۰۱
۳۳۵	۱۳۲۱	۱۴۱
۳۱۹	۱۳۲۲	۱۱۱
۵۴۵	۱۳۲۳	۲۰۰
۷۹۲	۱۳۲۴	۲۱۵
۵۶۱	۱۳۲۵	۲۷۳

نمودار زیر بر مبنای این آمار تهیه شده و سیر نشر کتاب را در این مدت

نشان میدهد:



همانطور که قبلاً گفته شد، ارقام مندرج در این آمار تقریبی است، ولی چون میتوان این تقریب را در همه سال‌ها یکسان دانست، نموداری که بر مبنای این آمار ترسیم شده دست کم میتواند معرف نوسانات سیر نشر - کتاب در سالهای مورد مطالعه باشد.

می‌توان دید که از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ مشحنی نشر کتاب تقریباً در خط مستقیم سیر می‌کند. سال ۱۳۲۰ آغاز مرحله جدیدی است. از این سال نشر کتاب قوس نزولی می‌شمارد. تا در سال ۱۳۲۲ بعد اقل میرسد و میزان نشر که در سالهای قبل بیش از ۲۲۰ بوده به تقریب نصف (۱۱۱) تنزل می‌کند. آشفتگی حاصل از جنگ و اشغال، افزایش سریع قیمت‌ها و سختی معیشت، افزایش بی‌سابقه تعداد روزنامه‌ها و مطبوعات جاری و توجه عامه بمسائل روز، بیشک باید از علل عمده این وضع بشمار آید. تجربه نشان داده است که در اغلب موارد میزان نشر روزنامه‌ها و مطبوعات جاری با میزان نشر کتاب در دوره‌ای کوتاه نسبت عکس دارد. اما در دوره‌ای طولانی افزایش مطبوعات جاری بطور کلی بر تعداد خوانندگان کتاب و میزان نشر کتاب می‌افزاید.

از سال ۱۳۲۳ مجدداً میزان نشر کتاب افزایش می‌یابد. این افزایش با نوساناتی تا سال ۱۳۲۶ تدریجی است، ولی در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ تشدید می‌شود.

در این دوره میزان نشر کتاب از حداقل ۲۰۰ به حداکثر ۳۶۹ میرسد.

در این دوران از نظر اجتماعی امکانات بیشتری برای نشر کتاب فراهم گشته و علاوه بر افزایش نشر کتب ادبی و منه‌بی و علمی، کتابهای سیاسی و مسلکی برقم قابل ملاحظه‌ای رسیده است. بزرگترین رقم نشر کتاب در این دوره (۳۶۹) متعلق بسالی است (۱۳۲۸) که بار دیگر از میزان نشر روزنامه‌ها و مطبوعات جاری بسیار کاسته شده است.

سیر نشر کتاب همچنان تا سال ۱۳۳۰ قوس صعودی می‌پیماید. تا در این سال باوج این دوران هشت ساله میرسد (۴۱۴ عنوان).

از سال ۱۳۳۱ میزان نشر کتاب بار دیگر قوس نزولی می‌پیماید و در سال ۱۳۳۲ بحدی نزول می‌یابد که تقریباً با میزان انتشار کتاب در سال ۱۳۲۷ برابر میشود (بترتیب ۳۱۶ و ۳۱۸).

نیمه اول سال ۳۲ افزایش بی‌وقفه روزنامه‌ها و مطبوعات جاری را همراه دارد، و نیمه دوم آن با تغییر وضع سیاسی و اجتماعی و کاهش بسیار حجم روزنامه‌ها و مطبوعات بطور کلی مشخص میشود. این عوامل هر یک از سوئی در نشر کتاب اثر منفی بجای می‌گذارد.

از سال ۱۳۳۳ مجدداً میزان نشر کتاب قوس صعودی طی می‌کند و در سال ۱۳۳۴ برقمی میرسد (۷۹۲ کتاب غیر از کتب مدرسی) که تا آن زمان در ایران سابقه نداشته است. در این دو ساله نشر روزنامه‌ها و مطبوعات جاری همچنان درحد نازلی باقی میماند و ادامه این وضع را میتوان یکی از علل افزایش مداوم میزان نشر کتاب در این سالها بشمار آورد.

در آمار و نموداری که ارائه شد رقم کتابهای چاپی سال ۱۳۳۵ (۵۶۱ کتاب) گاهی نسبت بسال ۱۳۳۴ نشان میدهد. ولی از همه ارقام سالهای پیش از آن بالا تراست. برآمال علوم انسانی

میتوان پنداشت که کتابهای منتشر شده در سال ۱۳۳۴ بحدی زیاد بوده که جذب آنها مقداری از سال بعد راهم اشغال کرده، دیگر آنکه در این فاصله بتدریج بر حجم مطبوعات جاری - خاصه مجلات هفتگی - افزوده شده و این امر نیز درحد خود، در نشر کتاب اثر منفی داشته است.

علاوه بر آنچه درباره چگونگی سیر و علل نوسانات نشر کتاب در بیست سال مورد مطالعه گفته شد، بیگمان عوامل دیگری وجود دارد که یافتن آنها نه باسانی مقدور است و نه در اینجا مقصود.

نموداری که از نظر گذشت نشان میدهد که میزان نشر کتاب در این مدت، با همه نوساناتش، جمعاً میل صعودی داشته و اوج هر دوره از اوج

دوره‌های پیشین بالاتر بوده است. این رشد طبیعی است، نهایت اینکه بکندی پیش رفته است. اگر ضریب تناسب افزایش تعداد با سوادان در این دوران بیست ساله درست بود، می‌شد دانست که درین کندی سیر، آهنگ رشد سواد و دشواریهای اقتصادی هر یک چه سهمی دارند.

۲- آمار انواع کتاب‌های چاپ شده در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴

و ۱۳۳۵

آمار انواع کتاب‌های چاپ شده در هر کشور نشان می‌دهد که خوانندگان کتاب بیشتر به خواندن چه نوع کتاب‌هایی علاقه و رغبت دارند، و تناسب نشر انواع کتاب‌ها را می‌توان معرف سطح فرهنگ جامعه دانست.

آمار زیر تعداد انواع کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴

و ۱۳۳۵ را حکایت می‌کند:

نوع کتاب	تعداد (۱۳۳۳)	تعداد (۱۳۳۴)	تعداد (۱۳۳۵)
ادبیات فارسی	۱۴۵	۲۳۸	۱۵۳
ادبیات خارجی	۱۲۷	۲۰۰	۱۳۱
دستور زبان و هنر و بازی	۴۸	۱۵	۹
مباحث و علوم			
اجتماعی و فلسفی	۱۵۱	۱۹۴	۱۳۷
علوم	۵۶	۸۹	۸۸
مذهب	۱۸	۵۶	۴۳
جمع	۵۴۵	۷۹۲	۵۶۱

در این آمار می‌توان دید که توجه خوانندگان ایرانی بیش از همه به ادبیات معطوف است، و در این زمینه تعداد کتب مربوط به ادبیات فارسی بیش از تعداد ترجمه‌های خارجی است. بنا بصورت تفصیلی این آمار (که از نقل آن در اینجا چشم می‌پوشیم) در ارقام مربوط به ادبیات فارسی سهم عمده متعلق به دیوان‌ها و کتاب‌های شعراست، و پس از آن نوبت به تاریخ و داستان می‌رسد.

در ادبیات خارجی سهم عمده از آن داستان‌ها و رمان‌هاست. تعداد نمایشنامه‌ها بسیار کم است، و اکثر خوانندگان ایرانی بخواندن نمایشنامه که از جالب‌ترین انواع ادبیات جهانی بشمار می‌آید - رغبتی نشان نمی‌دهند. پس از ادبیات علاقه خوانندگان ایرانی معطوف به کتب فلسفی و اجتماعی است. بخصوص در سال‌های اخیر میزان نشر این نوع کتاب‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، و بخصوص کتبی که در این زمینه‌ها بزبان ساده نوشته

شده مورد استقبال قرار گرفته است. میزان نشر کتابهای علمی کم است و خوانندگان معدودی به خواندن کتب علمی محض علاقه و توجه دارند.

کتابهای مذهبی از نظر تعداد (عنوان کتاب) در ردیف آخر جای دارد. اما خواهیم دید که تیراژ این نوع کتابها بعدی زیاد است که از نظر جمع تیراژ، آنها را در ردیفهای نخستین جای می دهد. وقتی آمار نشر کتاب را در این سه ساله بروزهای سال تقسیم کنیم، در سالهای ۳۳ و ۳۵ تقریباً هر دو روز ۳ کتاب و در سال ۳۴ تقریباً هر روز ۲ کتاب منتشر شده است.

### ۴- مقایسه نشر کتاب در ایران با کشورهای دیگر

صورت زیر بر مبنای ارقام و آمارهای مندرج در نشریه یونسکو Unesco درباره نشر کتاب در کشورهای مختلف جهان (مربوط به سال ۱۹۵۴) تدوین شده است:

#### میزان نشر کتاب

(سال ۱۹۵۴)

#### کشورها

شوروی	۳۷۵۰۰
ژاپن - انگلستان	از ۱۹ تا ۲۰ هزار
هندوستان	از ۱۷ تا ۱۸ هزار
آلمان غربی	از ۱۶ تا ۱۷ هزار
آمریکا	از ۱۱ تا ۱۲ هزار
فرانسه	از ۱۰ تا ۱۱ هزار
ایتالیا	از ۸ تا ۹ هزار
چین کمونیست - هلند - لهستان	از ۶ تا ۷ هزار
آلمان شرقی - چکسلواکی - پرتغال	از ۵ تا ۶ هزار
یوگسلاوی - اسپانیا - سوئد	از ۴ تا ۵ هزار
تایلند - سوئیس - اطریش - بلژیک - برزیل - بلغارستان	از ۳ تا ۴ هزار
آرژانتین	
مجارستان - نروژ - رومانی - یونان - ترکیه - دانمارک	از ۲ تا ۳ هزار
فنلاند - چین ملی - اندونزی	از ۱ تا ۲ هزار
ویت نام - کانادا - افریقای جنوبی - اسرائیل - پرو	از ۵۰۰ تا هزار
مصر - سیلان - ایران - استرالیا	

در تدوین صورت فوق برای رعایت اختصار از ذکر ارقام ریز مندرج

در نشریه یونسکو برای هر کشور خودداری شد، اما طبقه بندی کشورها در فواصل هزاتمامی بترتیب ارقام مذکور صورت گرفت تا از روی همین صورت مختصر هم بتوان مرتبه هر کشور را در امر نشر کتاب معین کرد. چنانکه کشور ما از نظر میزان نشر کتاب در سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) در بین کشورهای جهان در مرتبه چهارم و یکم جای گرفته است. [در آمار یونسکو تعداد کتب منتشر شده در ایران را در سال مذکور ۳۱۹ کتاب دانسته اند. و حال آنکه بنا بر آماری که ما در اینجا بدست دادیم - و بنا بر ماخذ و امکانات موجود دقیق ترین رقمی است که می توان بدست آورد - در آن سال ۵۴۵ کتاب در ایران منتشر شده است. هیچ نمی دانیم این رقم را از چه مرجعی بدست آورده اند. بهر تقدیر در رقم مربوط بایران این تصحیح منظور شد.] بنا بر آمار یونسکو ۱۶ کشور میزان نشر کتابشان از ۵۰۰ کمتر بوده است. آخرین آنها پاناما است که در سال مذکور ۲۲ کتاب منتشر کرده است.

اگر میزان نشر کتاب در ایران را با کشورهاییکه از نظر جمعیت و اوضاع اقتصادی و اجتماعی با کشور ما شباهت هایی دارند مقایسه کنیم، بیشتر به فقر خود در این زمینه واقف می شویم. مثلاً در همین سال دورتر که ۲۴۴۷ کتاب منتشر شده است، یعنی بیش از چهار برابر میزان نشر کتاب در ایران. حتی میزان نشر کتاب در چین ملی و مصر و ویت نام و سیلان از ایران بیشتر است.

#### ۴- تیراژ کتاب در ایران

همانطور که در آغاز یادآوری شد تعیین تیراژ کتاب در ایران کار بسیار دشواری است، و بهر صورت هیچ رقم روشن و معطمینی در این زمینه نمی توان بدست آورد. تنها راه این است که بنا بر تخمین ها و قرائن، کتاب - ها را از نظر تیراژ بچند نوع تقسیم کنیم و تیراژ تقریبی نمونه های این انواع را ملاک محاسبه قرار دهیم.

در این تقسیم بندی کتب مذهبی در نخستین ردیف جای می گیرند. این نوع کتب با وجود قلت تعداد، بزرگترین تیراژها را دارند. این کتابها بطور منظم و گاهی سالی دوسه بار چاپ می شود، و در برخی موارد تیراژ آنها به ده و حتی بیست هزار می رسد. علاوه بر قرآن کریم که همه ساله چند چاپ می شود و کتاب های دعا (نظیر مفاتیح الجنان) که چاپ های مکرر دارند، می توان از رسائلی نظیر «جامع الفروع» یا «مجمع المسائل» (تألیف آیه الله بروجردی) نام برد که در ظرف ده سال یعنی از ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۷ هجری قمری ۱۲ چاپ شده است.



سپس نوبت به داستان‌های عامیانه ایرانی نظیر جبین کرد و امیر ارسلان و امیر حمزه می‌رسد. تعداد این کتاب‌ها معدود است. اما چاپ‌های مکرر و مداوم، این کتاب‌ها را از نظر تیراژ در نخستین ردیف‌ها جای می‌دهد. در این باره هیچ رقمی نمی‌توان بدست داد. تنها از روی قرائن می‌توان دریافت که این نوع کتب پس از کتاب‌های مذهبی بزرگترین تیراژ را دارند.

کتاب‌های مربوط به مسائل جنسی یا کتبی که بر مبنای مسائل جنسی نوشته یا ترجمه شده در مرحله بعد جای می‌گیرد. این کتاب‌ها با تیراژهای ۳ تا ۵ هزار و گاه ده هزار منتشر می‌گردد. در این زمینه کمتر کتابی می‌توان یافت که چند چاپ نشده باشد، و هر مؤلف یا مترجم یا ناشری که بتواند تصاویر «مناسب‌تری» برای کتاب خود گرد آورد، توفیق بیشتری دارد.

آثار کلاسیک عمده ادبیات فارسی نظیر دیوان حافظ و گلستان سعدی و رباعیات خیام که هر سال یک یا چند چاپ می‌شود در مرحله بعد جای می‌گیرد. بعنوان مثال می‌توان گفت که دیوان حافظ از ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۵ شمسی یعنی در ظرف ده سال یازده بار بوسیله ناشرین مختلف چاپ و نشر شده است. [این رقم، حداقلی است که بر مبنای مدارک موجود بدست آمده است.]

کلیات سعدی از ۱۳۱۴ تا ۱۳۳۰ شمسی یعنی در ظرف ۱۶ سال دست کم ۱۵ بار تجدید چاپ شده است. تیراژ این کتاب‌ها (در هر چاپ) حداقل ۲۰۰ و حد اکثر ۵ هزار است. می‌توان دریافت که عامل عمده فزونی تیراژ این کتاب‌ها تجدید و تکرار چاپ است.

آنگاه نوبت به داستان‌های خارجی و ایرانی و مجموعه‌های شعر (معاصر) و کتاب‌های مربوط به مسائل اجتماعی و علمی بزبان ساده می‌رسد که تیراژ آنها تا سه چهار سال پیش بین هزار و دویست تا هزار و دویست و هشتاد و هشت است. این گونه کتاب‌ها به ندرت به تجدید چاپ می‌رسد، و اگر چنین باشد معمولاً بین دو چاپ، چند سالی فاصله می‌افتد. (از نظر تعداد کتاب بطوریکه در جای خود گفته شد، این نوع کتاب‌ها در ردیف‌های مقدم جای گرفته‌اند.)

در آخرین مرحله نوبت به کتاب‌های علمی می‌رسد که تیراژ آنها معمولاً بین هزار و دویست و هشتاد و هشتاد تا بیش از این رقم است.

کتاب‌های درسی را معمولاً باید نوع خاصی شمرد که شاید از نظر تیراژ بتوان آنها را در نخستین ردیف‌ها جای داد.

توجه به نوع کتبی که بزرگترین تیراژها را دارند نشان می‌دهد که هنوز سطح فرهنگ در کشور ما بسیار پائین است.

شاید اینکه کتاب‌های مذهبی و کتب مربوط به مسائل جنسی در نخستین

ردیف‌ها جای گرفته‌اند متناقض بنظر آید. اما با اندکی دقت در همین تناقض  
 صوری می‌توان یکی از علل این وضع را باز یافت.  
 بالا بودن تیراژ داستان‌های عامیانه ایرانی و آثار ادبیات کلاسیک فارسی  
 مبین این حقیقت است که مردم ایران با وجود نفوذ روزافزون ادبیات خارجی،  
 هنوز به سنت‌های فکری و ذوقی قدیم ایرانی دلبستگی وافر دارند.

عبدالرحیم احمدی

### اشعار ژاپونی

خاموشی

هیچیک سخن نگفتند ،  
 نه گلپای سفید «داودی» ، نه مپهان  
 و نه صاحبخانه

دیوتا (۱۷۰۷-۱۷۸۷)

### بهار برف آلود

ای بلبل شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اگر صدای تو نبود  
 حال که برفها آب نشده است  
 آن دهکده کوچک کوهستانی  
 چگونه به آمدن بهار، پی می‌برد.

ناکانو کاسا (قرن دهم)

### موش گل آلود

مہتاب بر کوه و دشت می‌تابد  
 دنیا در شب نقره گون خاموش است  
 موش گل آلود، در مزرعه گل آلود برنج  
 در آغوش ماده اش خوابیده است

هودیگاشی (۱۸۹۳ - )